



۲۲۰۰۷۸۱

افزون بر آنکه برابری جز به همراه پدیده‌های غیراقتصادی (برای مثال، مسائل مرتبط به مطبوعات و زنان) حاصل نمی‌شود، اصولاً در سطح بنیادی، برابری به مسائلی غیراقتصادی مربوط است.

اشاره

این یادداشت هم‌زمان که به منابعی مربوط راهنمایی می‌کند، رویکرد جامع‌نگری به مسئله برابری/نابرابری دارد و دست‌کم از دو حیث آموزنده است. وجه نخست تصریح به موانع الگوبرداری از سیاست‌های کشورهای نوردیک (و چه بسا نفس الگوبرداری صرف) است. تجربه موفق و ناموفق کشورها را باید در سیاق شرایط خاص آنها فهمید. بدین ترتیب، نحوه درس‌آموزی از تجارب کشورها نیازمند تأمل بیشتر است. پیش‌تر نیز مطلبی با عنوان آیا دولت رفاه نوردیک قابل الگوبرداری است؟ در همین شبکه منتشر شده است. وجه دوم جدی‌گرفتن شاخص‌های غیراقتصادی است. طبق تصویری که نویسنده پیش می‌نهد، مسئله برابری را نباید صرفاً مرتبط با توزیع درآمد و ثروت سنجد. بلکه این موضوع را باید در پرتوی عرصه‌های دیگر (مانند وضعیت مطبوعات یا زنان) نیز واکاوی کرد. نویسنده، برای دفاع از این تلقی، به عملکرد مشابه کشورهای نوردیک در همه این شاخص‌ها توجه می‌دهد. برای مثال، اگر فقط یکی از کشورهای نوردیک از حیث آزادی مطبوعات امتیاز بالایی داشته باشد و سایرین در این شاخص امتیاز قابل توجهی نداشته باشند، آنگاه این نتیجه حاصل می‌شود که احتمالاً مقوله برابری همبستگی معناداری با مقوله رسانه ندارد. اما عملکرد مشابه همه کشورهای نوردیک در شاخص‌های مورد بحث تأییدی بر تصویر جامع‌نگر به مقوله برابری است. این رویکرد کمک می‌کند که در عرصه سیاست‌گذاری‌های مرتبط به برابری/نابرابری، نگاهمان صرفاً معطوف به سنجش‌های اقتصادی نباشد. چنانکه در مقاله دولت رفاه فراگیر و سرمایه اجتماعی به اهمیت مقوله سرمایه اجتماعی در کشورهای نوردیک پرداخته شده است. باری، این برداشتی حداقلی از داده‌های یادداشت حاضر است. برداشت حداکثری در این جهت خواهد بود: افزون بر آنکه برابری جز به همراه مواردی غیراقتصادی (برای مثال، مسائل مرتبط به مطبوعات و زنان) حاصل نمی‌شود (ادعای همبستگی)، اصولاً در سطح بنیادی، برابری به مسائلی غیراقتصادی مربوط است. (ادعای علیت) این خوانش اخیر اهمیت شاخص‌های غیراقتصادی را پررنگ‌تر می‌کند.

نابرابری فزاینده یکی از بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی زمان ماست. این امر به رشد اقتصادی ضعیف‌تر مرتبط است و موجب گسترش نارضایتی و نارآرامی اجتماعی می‌شود. لذا، با توجه به اینکه پنج کشور نوردیک دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ، و سوئد بر اساس تعدادی از سنج‌ها در زمره برابرتین کشورهای جهان قرار دارند، معقول است که برای ساختن جامعه‌ای برابرتر از آن‌ها درس بگیریم.

همه کشورهای نوردیک سوسیال-دموکرات و دارای اقتصادی ترکیبی هستند. این کشورها به معنای کلاسیک سوسیالیست نیستند اگرچه در این کشورها دولت نقشی راهبردی در اقتصاد ایفا می‌کند، این بازارهای مالی، و نه برنامه‌های مرکزی، هستند که عنان اقتصاد را به کف دارند. این کشورها دارای نظام‌های حقوقی‌ای هستند که حافظه‌های شخصی و شرکتی است و به لازم‌الاجرا بودن قراردادهای کمک می‌کند. این کشورها دارای نوعی از دموکراسی هستند که در آن تفکیک قوا هم ماهیت کنترلی داشته و هم متوازن‌کننده و هم تعادل‌بخش است.

کشورهای نوردیک بر این موضوع گواهی می‌دهند که در چارچوب کشورهای سرمایه‌داری موفق که به شدت در بازارهای جهانی حضور دارند، اصلاحات مساوات‌طلبانه‌ی اساسی و شکلی جدی از دولت‌های رفاه امکان‌پذیر است. اما موفقیت کشورهای نوردیک این دیدگاه را که آرمانی‌ترین اقتصاد سرمایه‌دارانه آن است که بازار در آن بی‌محدودیت باشند به چالش می‌کشد. نیز توجه ما را جلب می‌کنند که اگرچه سوسیالیسم تمام‌عیار همیشه، در عمل، به فاجعه منتهی شده است، پیامدهای انسانی و برابر از دل سرمایه‌داری ممکن است.

کشورهای نوردیک از نظر توزیع درآمد در میان برابرتین کشورهای جهان قرار دارند. با استفاده از ضریب جینی که شاخص نابرابری درآمد است (بر اساس این شاخص، عدد ۱ بیانگر نابرابری کامل و عدد صفر بیانگر برابر کامل است)، داده‌های حاکی از آن هستند که ضریب جینی در ایالات متحده ۰/۳۹ و در بریتانیا کمی برابرتر یعنی ۰/۳۵ است. به‌گونه‌ای که ضریب جینی هر دو کشور از میانگین ضریب جینی کشورهای عضو که ۰/۳۱ است، بالاتر می‌باشد. با این حال، ضریب جینی پنج کشور نوردیک از ۰/۲۵ (ایسلند برابرتین) تا ۰/۲۸ (سوئد) متغیر است (به نمودار ۱ نگاه کنید).

با این حال، جایگاه نسبی کشورهای نوردیک از نظر توزیع ثروت در این کشورها چندان مساوات‌گرایانه نیست. داده‌ها نشان می‌دهند که نابرابری ثروت در سوئد بیشتر از فرانسه، آلمان، ژاپن و بریتانیا است؛ اما از ایالات متحده کمتر است. نروژ برابری بیشتری دارد، چنانکه نابرابری ثروت آن از ژاپن بیشتر اما از فرانسه، آلمان، بریتانیا و ایالات متحده کمتر است.

با این وجود، کشورهای نوردیک از نظر شاخص‌های عمده رفاه و توسعه امتیاز بسیار بالایی دارند. نروژ و دانمارک در شاخص توسعه انسانی سازمان ملل رتبه اول و پنجم دارند. بر حسب شاخص ادراک فساد که از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل معرفی شده است، دانمارک، فنلاند، نروژ و سوئد در میان شش کشوری هستند که در سطح جهان کمترین فساد را دارند. طبق همین شاخص، بریتانیا دارای رتبه ۱۰، ایسلند رتبه ۱۴، و ایالات متحده رتبه ۱۸ام است.

چهار کشور بزرگ‌تر نوردیک چهار جایگاه نخست در شاخص‌های جهانی آزادی مطبوعات را به خود اختصاص داده‌اند. ایسلند، نروژ و فنلاند دارای سه جایگاه اول در شاخص جهانی برابری جنسیتی هستند؛ در این شاخص سوئد رتبه ۵، دانمارک ۱۴، و ایالات متحده ۴۹ام است.

نرخ خودکشی در دانمارک و نروژ کمتر از میانگین جهانی است. در دانمارک، ایسلند و نروژ نرخ‌های خودکشی کمتر از ایالات متحده، فرانسه و ژاپن است. نرخ خودکشی در سوئد تقریباً مشابه ایالات متحده است، اما این نرخ در فنلاند بالاتر است. نروژ در سال ۲۰۱۷ جایگاه شادترین کشور جهان را به دست آورد و دانمارک و ایسلند بلافاصله پس از دانمارک قرار گرفتند. طبق همان شاخص شادی، فنلاند دارای رتبه ۶، سوئد ۱۰ و ایالات متحده ۱۵ام است.

بر حسب سرانه تولید ناخالص داخلی، نروژ ۳٪ بالاتر از ایالات متحده است، حال آنکه ایسلند، دانمارک، سوئد و فنلاند به ترتیب ۱۱٪، ۱۴٪، ۱۴٪ و ۲۵٪ پایین‌تر از ایالات متحده هستند. این عملکرد یکدست نیست اما همچنان تحسین‌برانگیز است. سرانه تولید ناخالص داخلی همه کشورهای نوردیک بالاتر از بریتانیا، فرانسه و ژاپن است.

شرایط ویژه؟

در کنار آنکه سطح برون‌داد اقتصادی کشورهای نوردیک به خوبی با سایر کشورهای بسیار توسعه‌یافته قابل قیاس است، این کشورها آشکارا به سطوح بسیار بالای رفاه و بهروزی نیز دست یافته‌اند. این امر نتیجه سطوح نسبتاً عالی انسجام اجتماعی و نظام مالیاتی، در کنار نظامی سیاسی و اقتصادی است که حافظ بنگاه‌های اقتصادی، اقتصادمداری و شکوفایی است.

اما کشورهای نوردیک، در مقایسه با بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، کوچک و دارای همگونی قومی و فرهنگی بیشتری هستند. این شرایط خاص، سطوح عالی اعتماد و مشارکت ملی - و در نتیجه آمادگی برای پرداخت مالیات‌هایی بالاتر از حد معمول - را تسهیل کرده‌اند.

در نتیجه، خط‌مشی‌ها و نهادهای نوردیک را نمی‌توان به سادگی به کشورهای دیگر صادر کرد. کشورهای توسعه‌یافته

بزرگ، مانند ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان، از حیث فرهنگ‌ها و اقوام، تکثر بیشتری دارند. صادر کردن الگوی نوردیک [به این کشورهای بزرگ‌تر و متکثر] چالش‌های عمده‌ای در ادغام، یکپارچه‌سازی، افزایش اعتماد، اجماع‌سازی، و نهادسازی به دنبال دارد. با این حال، همچنان مهم است که از [الگوی نوردیک] درس بیاموزیم و آن را تجربه کنیم.

به رغم ایدئولوژی فراگیر جهانی به نفع بازارها، خصوصی‌سازی و ریاضت اقتصاد کلان، تنوعی در میان کشورهای سرمایه‌داری وجود دارد که به نحو قابل توجهی با دوام بوده است. افزون بر این، همچنان بعضی کشورها با توجه به شاخص‌های رفاه و برابری اقتصادی بهتر از بعضی دیگر عمل می‌کنند. می‌توانیم از اقتصادهای ترکیبی نوردیک درس بگیریم، اقتصادهایی که خدمات رفاهی قوی دارند و در عین حال از نقش کسب‌وکارها را نمی‌کاهند. کشورهای نوردیک، نشان‌دهنده راهی به پیش هستند که هم از سوسیالیسم ایستا و هم از بازار بدون محدودیت متفاوت است.

منبع

نوشتار حاضر ترجمه‌ای است از مقاله زیر نوشته جفری ام. هاجسن (از اعضای حزب لیبرال دموکرات‌های انگلستان)

۹۹۷۹۷-----://.: